

## صلح آری، اما نه با هر قیمت!!

مدتی است که سرو صدای صلح و صلح خواهی و صلح طلبی در کشور جنگ زده و ویران ساخته شده ما، بالا گرفته است و بوق و سرناهی آن می‌رود تا گوش کر فلک را کتر سازد. صلح پدیده زیبا و پسندیده بوده و آرزوی هر فرد و هر کشور و هر جامعه ای، در سرتاسر دنیای پر از فتنه و فساد و دنیای جنگ و تفریق و توطئه و دنیای پر از کین است. حتی جنگ جویان و جنگ آوران و زورگویان هم به نحوی خواهان صلح اند تا در پرتو صلح و بنام مقدس صلح، از شرایط صلح به نفع قوم و قبیله خود و به نفع گروه و دسته و حزب و سازمان و جمعیت و جنبش و حرکت خود، سود برده و پایه های اقتدار و قدرت و قدرتی و زورآوری خود را تحت نام صلح، مستحکم و مستحکمتر سازند.

هرچند صلح و صلح خواهی در بین مردم ستمدیده افغانستان از سالیان مدید، یک رویای دست نیافتنی می نماید و جهت رسیدن به آن خون بیشتر از دومیلیون از سروران و سرداران و فرزندان بلند قامت خویش را در پای نهال آزادی و عدالت و صلح و امنیت، بی دریغ ریخته اند، اما همان نهال بهشتی و دست نیافتنی، در سرزمین سوخته ما، همچنان در آتش بیداد بیدادگران می سوزد و تا هم اکنون خون می طلبد و خون میخورد و خون تغذیه میکند، اما هرگز و هرگز به بارور شدن نرسیده است.

دریغا و دردا و حسرتا! که نهال صلح و آزادی، در سرزمین بلا رسیده و ملا دیده ما طی سی و سه (۳۳) سال دردآور گذشته، فرصت ریشه گرفتن و بارور شدن را نیافته است و اگر فرصت اندکی هم میسر گردیده تا نفسی درکشد، ظالمانه با تیر و تلوار ریشه های آن قطع گردیده است.

در اساس مردم افغانستان همانگونه که مردم سلحشور و مبارز اند، همانگونه هم به صلح عشق میورزند و سرفدای آن میکنند. مردم افغانستان هرگز و هرگز، آغاز گر جنگ نبوده اند، بلکه در طول تاریخ پر از نشیب و فراز شان، جنگ بالای شان تحمل گردیده است. این کشور کوهستانی با مدنیت چندین هزار ساله آن، همیشه شاهد لشکر کشی های بیگانگان متجاوز بوده است و مردم صلح دوست و آزاده آن مجبور گردیده اند تا دست به سلاح برده و از هست و بود خویش به دفاع برخیزند و جواب دندان شکن به تجاوزگران دهند، ورنه با صلح و صفا و اخوت و برادری در کنار همدیگر زیسته اند و روابط نیک با همسایگان داشته و هیچگاه برای دیگران مشکل ساز نبوده اند.

بسیار اتفاق افتاده است و ملت با شهامت افغان بار ها شاهد آن بوده اند که جنگ های تحمیلی منجر به زایش یک مشت سود جو و منفعت طلب و خائن به مردم و مملکت گردیده است که دستاورد های سترگ مبارزات آزادیخواهانه مردم را به دو توت فروخته و کشور را به گروگان گرفته اند.

و اما چرا این صدای صلح و صلح خواهی و صلح طلبی در این اواخر بالا گرفته و چپ و راست و صبح و بیگاه و شام و پگاه از ورای رسانه های خبر رسانی جهانی و سایت های انترنتی و تلویزیون ها و نشرات چاپی، غوغا برپا نموده و منتظر معجزه اند؟

آیا یک دعوت مفشن و مجل از چند نماینده گلبدین حکمتیار، مشهور به قصاب کابل، در قصر ریاست جمهوری کابل و یا گشایش یک دفتر میلیون دالری برای نماینده های طالبان در قطر و یا هم دعوت از چند جنایتکار جنگی در برلین میتواند صلح را به کشور برگرداند؟

آیا به قصاب کابل که خون بیش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) از باشندگان کابل را بی محابا بر زمین ریخت و کابل زیبا را به ویرنه ای غم انگیزی مبدل کرد، میتوان " برادر محترم حکمتیار صاحب"، خطاب کرد؟

آیا با " برادر محترم " خطاب کردن ها میشود صلح را به کشور جنگ زده ما برگرداند؟ این یکی را " برادر محترم " خطاب کردن و آن یکی را " برادران ناراضی " گفتن و چند و چندین برادر راضی دیگر را صبح و شام " امیر صاحب" و " وزیر صاحب" گفتن ها، هرگز و هرگز صلح را به ارمغان نخواهد آورد.

پرسش ها و سوالات فراوانی در زمینه مطرح میگردد که حتی یکی از آنها هم پاسخ قناعت بخشی نخواهد یافت و به منزله آب در هاون کوبیدن است و زیره به کرمان بردن.

جناب رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان! امید است بعد از گذشت یک دهه متوجه شده باشید که در محاصره برادران راضی و ناراضی و محترم و نامحترم تان که همه و همه مسلح هستند و تشنه جنگ، سخت گیر مانده اید. با هزاران درد و دریغ که حلقه این محاصره را هر روز برای خود تنگ و تنگ تر می سازید و به امید آب به سراب میروید و مردم مظلوم افغانستان را به امید رسیدن به صلح، به یک باطلاق خطرناک و مرگ آور رهنمون میگردید.

کای آیدی نماینده خاص پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان، با نظارت دقیق و نزدیک اوضاع افغانستان هم از احتمال بروز جنگ های داخلی در این کشور هشدار می دهد. او هم دل پرخونی از شما داشته میگوید: "... من نیز از کرزی ناراحت بودم، زیرا کرزی به جنگ سالاران و کار گزاران قدرت وابسته است، کسانی که در دهه های پیش افغانستان را نابود کردند و نباید به آنان اجازه داده می شد تا آینده این کشور را آلوده سازند."\*

مردم افغانستان و نیز جامعه بین المللی خوب بیاد دارند که در آغاز دور دوم ریاست جمهوری شما، مقامات غربی و بخصوص امریکائی ها از موجودیت رشید دوستم و قسیم فهیم در حکومت شما، خیلی ها ناراض بودند و بار بار مخالفت خود را بصورت علنی ابراز داشته و شما را از انتخاب چنین افراد خونریز و کثیف که در لیست جنایتکاران جنگی شامل هستند، برحذر داشتند، اما کو گوش شنوا جناب کرزی!؟

در این مختصر نمی خواهم در مورد نطق غرای شما در مراسم افتتاحیه دور شانزدهم سال دوم تقنینی شورای ملی، تبصره نمایم، اما یک درنگ مختصر حتمی می نماید.

شما فرمودید "... افغانستان آزمایش گاه و لابراتوار سیاسی بیگانگان نیست". چه بجا فرموده اید! اما اگر از حق نگذریم شما و مشاورین بیشتر شما، این زمینه را بوجود آوردید که افغانستان آزمایشگاه و لابراتوار بیگانگان و ایادی مفتخوار و بی مقدار آنان گردد. امروز افغانستان نه تنها آزمایشگاه و لابراتوار بیگانگان گردیده است، بلکه عملاً آزمایشگاه برادران راضی و نیمچه راضی و ناراضی و نیمه ناراضی و "برادران محترم" شما، گردیده است. در میان این همه جنگجو و جنگ آور و جنگ افروز و جنگره، شما فقط "برادران ناراضی" طالب را کم دارید و "برادر محترم حکمتیار" را و با این جمع نامتجانس که بخون یک دیگر و همه با هم به خون مردم مظلوم افغانستان تشنه اند، شما آرزو دارید صلح را به کشور جنگ زده ما برگردانید که این خواب است و خیال است و محال است و جنون.

در یک قسمت دیگر از بیانات پر محتوای تان شما یک لیست از کشته های تان بیرون داده، فرموده اید: "...د. خپلی خاوری د دفاع په لاره کی خپل ځانونه قربان کر...". به لیست بیرون داده شما یک نظر انداخته و چند اسم را بیرون نویس نموده و قضاوت را به مردم شریف و غیر مسلح افغانستان میگذاریم:

" رئیس شورای عالی صلح استاد برهان الدین ربانی  
جان محمد خان یکی از مجاهدین سرشناس کشور  
الحاج عبدالمطلب بیگ  
محمد هاشم و طنوال  
دگر جنرال داوود داوود  
خان محمد خان مجاهد  
جنرال شاه جهان نوری  
جنرال عبدالرحمن سید خپلی  
ملک محمد زرین  
حاجی محمد افضل اشکزی  
حاجی سیدمحمد پهلوان  
احمدولی کرزی  
محمد داوود احمدزی  
محمدجواد ضحاک  
عبدالحکیم سلیمانخیل  
شیر محمد خان عرب و ..."

شما فرموده اید که سرکرده‌شان برهان الدین ربانی بوده است. بلی جناب رئیس جمهور سرکرده این جنایتکاران منفور، همانا برهان الدین ربانی بود و همه با هم نه تنها در راه مردم و مملکت کشته نشده اند، بلکه در راه خطا و خیانت و جنایت سرهای خود را از دست داده اند و با این نام‌ها مردم افغانستان خوب آشنائی دارند و در نابودی آنان، ملت با شهامت و صبور افغان یک قدم به صلح و سرافرازی نزدیک میشوند، اما اگر جناب شما از خیر "برادران ناراضی" و "راضی" و "برادر محترم انجنیر صاحب حکمتیار" و شرکای جنایات بی شمارشان بگذرید و به مردم رجوع کنید.

از افغانستان آزمایشگاه و لابراتوار جنایتکاران جنگی جور نکنید. اینها بار بار امتحان خود را داده اند و در میدان عمل ناکام مطلق بدر آمده و کشور ما و شما را به حمام خون مبدل نموده اند، نه یکبار و دوبار، بلکه بار بار. به یقین که "آزموده را آزمودن خطاست" و سرمه‌آزموده را دوباره آزمودن، چشم را کور میکند. به اطراف تان نظر اندازید و با بصیرت بیدار مشاهده کنید که چگونه جنایتکاران جنگی شما را محاصره نموده اند و چگونه شما خود این حلقه محاصره را روز به روز تنگ و تنگ تر می‌سازید. شما مارهای افعی را بجان پر زخم مردم درد رسیده و زجر کشیده افغانستان انداخته و توقع دارید زخم‌های بیشمار شانرا با لعاب دهن سگ، مرهم گذارید. زهی خیال باطل!

در چند روز گذشته از آدرس‌ها و نام‌های مختلف، مقالات و تحلیل‌های فراوان را که تقریباً همه همسان بوده و همه هم فرار معلوم به یک ساز رقصیدن گرفته اند و شاید هم از یک مرجع خاص بیرون داده شده باشند، اما تبلیغات همین صفحه، چه به لسان ملی پشتو و چه هم به لسان ملی دری، به (خوانش) نگرافتم، بلکه با دقت مطالعه نمودم. بعضی از نوشته‌ها را با همدیگر به مقایسه نشستیم، حاصل آن همین بود که میتوان گفت، محتوا و مطلب آنها بسیار مشابه با همدیگر بوده و حتی در بسیاری موارد از ادبیات و طرز نوشتن همسان حکایت دارند. نوشتن در مورد صلح و سرنوشت مردم و مملکت و...، قابل قدر است و در خور هزاران ستایش، اما تبلیغات سرکاری را و بالا بردن و بلند کشیدن پدیده فرمایشی و نا کارآمد و منبع فساد و چور و چپاول را که همانا "شورای عالی صلح" باشد، و آنرا در لاف‌ها و پیچیدن در هزار و یک نقش و نگار به خورد مردم دادن، کاریست بیهوده و در خور هزاران نفرین. صلح مورد نظر عالی جنابان، همان صلحی است که در حکومت فرمایشی کابل، در حکومت ایکه باگذشت نزدیک به دو سال از دور دوم آن، هنوز هم اکثر وزرای کابینه آن، وزرای سرپرست اند، و این خود یک قانون شکنی بزرگ و فضحیت بار است، در حکومت ایکه حتی صلاحیت عزل یک والی را ندارد و جهت بدست آوردن دل چند جنگ سالار و چند جنایتکار جنگی، چپ و راست فرمان قهرمانی صادر میکند، صلح مفهوم و معنی واقعی خود را کاملاً از دست میدهد و به منزله آرامش قبل از طوفان تواند بود.

اساس حکومت داری موجوده افغانستان، از همان نخستین ساعات تولدش تا هم اکنون، بر کجدار و مریز با تفنگداران و جنگ سالاران و ناقضین حقوق بشر، گذاشته شده است. در حکومت موجوده هنوز هم یک جنگ سالار و ناقض حقوق بشر، معاون اول رئیس جمهور است و دیگری معاون دوم، یک جنگ سالار وزیر است و دیگر وکیل، یک جنگ سالار حاکم خود مختار یک ولایت در ده سال متواتر است و دیگری از ولایت دیگر، یک جنگ سالار مشاور و دیگری...، یک جنایتکار و خائن نماینده مملکت در سازمان ملل متحد و دیگری سفیر کبیر در اوکراین و...، بلی در چنان حکومت ای و در چنان دم و دستگاه فاسد و ناکارآمدی، سخن از صلح گفتن و شریک ساختن تروریستان طالبی و گلبدینی در این معجون مرکب و نا متجانس، کشور را نه تنها به سوی صلح رهنمون نمی‌گردد، بلکه به هزاران فرسخ از صلح دور می‌سازد.

پس از روی لطف و از سرکرم، دست از این تبلیغات سرکاری و کوبیدن در طبل میان خالی، بگذرید که صدای دهل شنیدن از دور خوش است. در پی یک چاره اساسی برای رسیدن به صلح باشید و یقین داشته باشید که صلح واقعی و شرافتمندانه، تنها تنها در پرتو عدالت اجتماعی و کشانیدن جنایتکاران جنگی به پای میز محاکمه، مقدر است، نه نصب نمودن آنان به مقامات بلند لشکری و کشوری و سرخم نمودن برای تروریستان.

متاع سرکاری دیگر بازار و خریداری ندارد. سخنان میان خالی و تکراری برای مردم سخت دلگیر شده است و مردم از خوش آمد گوئی رئیس جمهور کشورشان به جنایتکاران جنگی و پذیرائی آنان در قصر ریاست جمهوری، سخت منزجر اند، بخصوص مردم و باشندگان کابل که راکت پرانی‌ها و چور و چپاول‌ها و تاراج پایتخت و با خاک یکسان نمودن کابل زیبا را هرگز فراموش نمی‌کنند و خوب بیاد دارند جنایات عظیم و کشتار خواهران و برادران و فامیل و اقارب و خویش و قوم شانرا. بیاد دارند بینی بریدن‌ها و گوش بریدن‌ها و رقص مرده و رقص زنده را و بیاد دارند که چگونه جنگ سالاران کابل را بین خود تقسیم نموده بودند و تنها در کابل چهار حکومت وجود داشت و...، آیا شصت و پنج هزار انسان را از دم تیغ قساوت و بربریت کشیدن، پاداش وزارت و وکالت و معاونیت‌های ریاست جمهوری است و مارشالی و جنرالی؟!

آيا قصاب کابل را " برادر محترم " گفتن، خندیدن به خون بيش از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) قربانی دستان خون آلود و جنایت گستر همان " برادر محترم"، نیست؟!

شرم کنید و از خدا بترسید و از بازخواست مردم! دیروز نوبت تره کی و امین و ببرک و نجیب بود و امروز نوبت ربانی و داوود و مسعود و فردا نوبت شماسست. صلح پسندیده است و مطلوب تمام انسان های کره ارض، اما نه به قیمت از دست دادن آبرو و حیثیت و وقار و شرف مردم و پامال نمودن خونهای پاک بيش از دومیلیون شهید. صلح شرافتمندانه با سازش های شرم آور و نفرت انگیز هرگز بدست نمی آید و اگر هم بدست آید، پایدار نیست و به منزله گلوخ ماندن و از آب گذشتن است. صلح پسندیده و مطلوب است، اما نه با هر قیمت.

باخیرباش که آه مظلوم سخت گیرد  
بسی کس را ز تخت و بخت گیرد

---

\*- طلوع نیوز- پنجشنبه ۲۹ جدی ۱۳۹۰

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ